

تحلیل بحران مخاطب در تلویزیون؛

قطع ارتباط برنامه‌سازان با مخاطب

جبار آذین نویسنده و منتقد سینما چندی پیش در نقد عملکرد صداوسیما در حوزه سریال سازی طی گفتگویی عنوان کرد: تلویزیون سال‌هاست که از نظر و نگاه مخاطب فاصله گرفته است و به ندرت شاهد تولید و پخش آثار فاخر و درجه یک به ویژه در حوزه سریال‌ها هستیم. اغلب سریال‌ها از منظر ساختار هنری متوسط، زیر متوسط و حتی ضعیف هستند؛ از نظر مضمون و قصه هم پیش از آنکه برگرفته از واقعیت‌های جامعه و نیاز مخاطب باشند، کپی برداری از آثار ماهوارهای خارجی و سریال‌های ترکیه‌ای و غربی هستند. در کنار این‌ها ضعف مدیریتی و نداشتن نگاه تازه در تولید آثار فرهنگی-هنری و سریالی در تلویزیون و نفوذ سرمایه و سیل‌های اسپانسرها در چگونگی تولید مجموعه‌ها و نبود هنرمندان حرفه‌ای و درجه یک در تلویزیون سبب شده که دیگر آثار مناسب و شایسته خانوادگی و اجتماعی و حتی طنز ساخته نشود. نکاتی که این منتقد سینما مطرح کرده است البته موضوعاتی است که بسیاری از فعالان در حوزه تصویر به آن اشاره می‌کنند. در ادامه دیدگاه شاهین شجری کهن و محمدرضا مقدسیان را در این باره می‌خوانید. این دو منتقد عقیده دارند که ضعف فیلم‌نامه نویسی و نسپردن کار به دست کاردان مهمترین نقاط ضعف سریال‌های تلویزیون هستند؛ در عین حالی که بودجه و توان لازم وجود دارد، اما همچنان سریال خوب ساخته نمی‌شود.

اتفاق به جریان تبدیل نشده است
شجری کهن سریال‌های داستانی را یکی

از مهمترین بخش‌های آنتن‌های تلویزیون ایران می‌داند و می‌گوید: قرار است که مردم بازتاب دغدغه‌های زندگی خود را در این سریال‌ها ببینند و با تجربه و فضاهای جدید آشنا شوند. حال باید خودمان قضاوت کنیم که تولیدات ما چقدر به این دو هدف نزدیک بوده و چقدر ساز و کار درستی در مضمون، اجرا و از همه مهمتر در چرخه تولید دارد. باید بررسی شود که با این همه سابقه و عنوان‌های چشمگیر که گاهی هم خیلی به آنها افتخار می‌کنیم، آیا توانستیم تک‌اتفاق را به جریان تبدیل کنیم یا خیر؟

محمدرضا مقدسیان نیز معتقد است: وقتی آثار دنیا را مرور می‌کنیم، کم‌کم می‌توان ادعا کرد که جریان اصلی تولید تصویر داستانی را سریال در دست گرفته و بخش عمده کسانی که تصویر داستانی را در قالب فیلم و سریال دنبال می‌کنند، سراغ سریال می‌روند. یکی از دلایل ساده آن، تغییر شیوه تماشای تصاویر است، یعنی رشد اینترنت، تلویزیون‌های بزرگ و نمایش خانگی که خودش به یک چالش برای سینما تبدیل و باعث شد مخاطب تمایل داشته باشد که در کنار تلویزیون، از این شیوه برای تماشای فیلم استفاده کند.



سریال سازی در دنیا گوی سبقت را از سینما روده است

این منتقد سینما و تلویزیون ادامه می‌دهد: در دنیا، بخش بزرگی از افرادی که در سینما دستی بر آتش داشتند، به سمت سریال سازی آمدند و سرمایه‌گذاری‌ها به این سمت حرکت کرد. این وضعیت دلایل مختلفی داشت؛ ممکن است من تغییر شیوه نمایش را یکی از دلایل آن بدانم. از یک طرف عده‌ای بگویند که تعدادی از قصه‌ها ظرفیت تبدیل به سریال را دارند، پس سریال بازار بهتری دارد و در زمان طولانی‌تری مخاطب را درگیر می‌کنیم. در دنیا همه چیز بر مبنای بررسی داده‌ها اتفاق می‌افتد، مثلاً وقتی سریالی ساخته می‌شود، داستانی که از ابتدا برای آن نوشته شده، بر مبنای طبع مخاطب تغییر می‌کند. در حال حاضر در دنیا، سریال سازی گوی سبقت را از سینما می‌باید و مخاطب نقش محوری در تقویت این جریان دارد. این جریان هم چون هزینه می‌کند و مخاطب و تماشاگردن برایش مهم است، به این نتیجه رسیده که از علم روز استفاده کند و نبض مخاطب را به صورت واقعی نه ذهنی در دست بگیرد. در واقع بررسی میدانی بر اساس فناوری انجام می‌شود و در نهایت سریال سازی صورت می‌گیرد. در دهه ۶۰ و ۷۰ سریال‌هایی داشتیم که برخی از قسمت‌های آنها از فیلم‌های سینمایی امروزی با کیفیت و بهتر است. هر چه پیش آمدیم، بنا به دلایل مختلف این جریان افت کرد.

شجری کهن با بیان اینکه خیلی از سریال‌ها نقطه عطف تلویزیون هستند، مطرح می‌کند: با توجه به این آثار باید انتظار داشت، زیرا توان، هنرمند، بودجه و تاسیسات لازم وجود دارد، اما مثل حلقه‌های یک زنجیر گسسته به هم وصل نمی‌شوند. قطع ارتباط



افرادی در شوراها درباره فیلمنامه نظر می‌دهند که فقط دلسوز هستند، در صورتی که دلسوزی خالی کافی نیست. ما متخصص دلسوز می‌خواهیم